

چطور می‌توان مدیر برتر شد؟



جیمز رابینز که یک متخصص امور مدیریتی است راهکارهایی را برای مبدل شدن به یک مدیر برتر در کمترین زمان ممکن ارائه می‌دهد.

هدف یک مدیر، رهبری تیم کارمندان و هدایت آنها به سمت کسب بهترین نتایج است، اما مسلماً دستیابی به این هدف چندان هم ساده نیست. مدیریت خوب یک خصوصیت مادرزادی نیست و حتماً بسیاری از کارمندان هم می‌دانند که کار کردن با یک مدیر ناتوان چه معنی می‌دهد.

پیشنهادات زیر برای تبدیل شدن به یک مدیر برتر در کمترین زمان، توسط جیمز رابینز متخصص امور مدیریتی و نویسنده کتاب «۹ دقیقه در روز دوشنبه» ارائه می‌شوند. این توصیه‌ها بر مبنای این تئوری ساخته شده‌اند: چیزهای کوچکی که خوب ساخته شوند، بزرگترین نتایج را به همراه خواهند داشت.

بسیاری از مدیران بدون فراگیری آموزش مناسب در عرصه مدیریت و بدون داشتن آگاهی لازم از آنچه باید انجام دهند، وارد محیط کسب و کار می‌شوند، اما چه چیز را باید برای رسیدن به موفقیت تغییر داد؟

رابینز ۹ سوال اساسی را که یک مدیر هر شنبه صبح باید از خود بپرسد به ما می‌گوید:

۱- در طول این هفته به چه کسی علاقه و اعتماد خود را نشان دهم؟

۲- به چه کسی بازخورد فعالیتش را نشان دهم؟

۳- با چه کسی باید بهتر آشنا شوم؟

۴- در هنگام مواجه شدن با اشخاص چگونه با آنها ارتباط برقرار کنم؟

۵- به چه کسی برای ارتقاء سطح حرفه‌ای او کمک کنم؟

۶- به چه کسی برای به دست آوردن حس مستقل بودن کمک کنم؟

۷- برای افزایش حس همبستگی در تیم چه کاری می‌توانم انجام دهم؟

۸- کجا می‌توانم کمی سرگرمی تزریق کنم؟

۹- به چه چیزهایی برای فرم دادن به شکل کلی اعضای گروه نیاز دارم؟

قطعا هیچکدام از این پرسش‌ها به طور مستقیم در رابطه با دغدغه‌های اصلی یک مدیر از قبیل صورت مالی شرکت، چگونگی پیشبرد پروژه‌ها، افزایش بهره‌وری و... نیست، اما بر روی یکی از اهداف اصلی یک مدیر موفق که همان ارتقای سطح کیفی پرسنل شرکت است متمرکز می‌شوند.

البته یک مدیر موفق باید از گفتن برخی جملات هم خودداری کند. به نظر پاتریک آلن نویسنده کتاب **The Frase Book** **Leader** چهار جمله هستند که یک مدیر هرگز نباید بر زبان بیاورد. یک مدیر همیشه باید قبل از صحبت کردن به سخنان خود خوب فکر کند و از دادن پاسخ‌های نامناسب و غیرحرفه‌ای پرهیز کند. اولین جمله‌ای که باید از آن پرهیز شود این جمله است: «غیرممکن است.» چراکه این جمله به طور ذاتی بار منفی با خود به همراه دارد و از پیدایش ایده‌های نو جلوگیری کرده و مانع هرگونه خلاقیت و ایده‌پردازی می‌شود. در موقعیت‌های این‌چنینی در نهایت باید از جمله: بسیار سخت است استفاده شود. جمله دوم این جمله است: فلان شخص ناتوان است.

یک مدیر نباید پشت سر کارمندان خود بدگویی کند، چراکه دیگر به عنوان یک راهبر قابل احترام جایگاه خود را در ذهن دیگران از دست خواهد داد و در حقیقت اعتماد دیگران از او سلب خواهد شد. در مواقعی که باید در مورد عدم کارایی یک کارمند بحث شود، بهتر است که مستقیما و رودر رو با وی صحبت شود و اشتباهاتش به او گوشزد شود. جمله دیگر عبارت است از: یا چیزی که من می‌گویم انجام می‌شود یا هیچ.

راهبران واقعی هیچگاه اولتیماتوم نمی‌دهند، چراکه هرگز پیامد خوبی به همراه ندارد. بهتر است به نظرات و دیدگاه‌های دیگران گوش دهد و پس از آن تصمیم بگیرد.

در نهایت جمله آخر که باید از آن پرهیز شود، این عبارت است: حق همیشه با من است. زیرا این جمله بیانگر این مطلب است که من بهترین هستم و با هیچکس دیگر قابل مقایسه نیستم. این یک اشتباه بزرگ است. هر مدیری که از این جمله استفاده کند، خود را به عنوان مدیری خودپسند و مستبد جلوه خواهد داد.

منبع: manageronline.it